

کدام قدرت رسانه‌ای، نشریات محلی را شهروندان درجه دوم تلقی می‌کند؟

بررسی‌ها در حوزه مطبوعات کشور طی سالیان گذشته حاکی از آن است که در آغاز هر دولت، معمولاً معدودی از مدیران رسانه‌های سیاسی و اقتصادی، با اغواگری و گعده‌های پشت پرده، دست به اقداماتی می‌زنند تا منجر به اتخاذ تصمیم‌هایی شود که مطابق با مصالح و مطامع آنان بخشنامه شود.

به گزارش سایت خبری پرسون، بررسی‌ها در حوزه مطبوعات کشور طی سالیان گذشته حاکی از آن است که در آغاز هر دولت، معمولاً معدودی از مدیران رسانه‌های سیاسی و اقتصادی، با اغواگری و گعده‌های پشت پرده، دست به اقداماتی می‌زنند تا منجر به اتخاذ تصمیم‌هایی شود که مطابق با مصالح و مطامع آنان بخشنامه شود. در واقع این طیف، برای زمینگیر کردن مطبوعات کشور، مسئولان را از راه به بیراهه می‌کشاند و می‌کوشند فعالیت مطبوعات کشور را از ریل اصلی آن خارج کنند تا هم رشد و توسعه رسانه‌ها را متوقف کنند و هم نشریات استانی را از سر راه خود کنار بزنند. تا مافیای مطبوعات، همچنان به آلف و الوف برسد.

به گزارش عصر اصفهان، این گروه کثرت طلب، در طول ادوار گذشته، نمایشگاه مطبوعات، کاغذ دولتی، یارانه نجومی و اغلب امتیازات حوزه رسانه را به انحصار خود در آورده‌اند. آگهی‌های مزایده و مناقصه و رپرتاژهای وزارتخانه‌های پولساز را هم به آن اضافه کنید و قس علی هذا؛

به نظر می‌رسد این اتفاق ناخجسته و مرموز همواره در رانت‌خواری، ویژه‌خواری، نفوذ بنگاه‌های مطبوعاتی ثروتمند و سیاسی ریشه دارد. همان مافیایی که سال‌هاست بر روی یارانه میلیاردی مطبوعات کشور چمبره زده است. این مافیا به راحتی می‌تواند با دور زدن وزیر ارشد، نمایندگان مجلس و معاونت مطبوعاتی، با هر دسیسه‌ای، مترصد حذف صدها رسانه محلی و هزاران فعال مطبوعاتی با نگاه مزاحم و شهروند درجه دوم هستند تا از این رهگذار به سهولت به رانت‌خواری همه جانبه خود ادامه دهند. گاهی با انحصار آگهی‌های تبلیغاتی انتخابات ریاست‌جمهوری، گاهی با دریافت یارانه‌های میلیاردی و زمانی هم با جذب رپرتاژها و آگهی‌های شرکت‌های غول‌پیکر دولتی و البته گاهی با نفوذ در کارگروه‌های مطبوعاتی و ارائه پیشنهادها ی اغواگرانه به مسئولان، حیات مطبوعات کشور را به مخاطره انداخته‌اند.

مافیای موصوف، عده و عده دارد، گردن کلفت است؛ ثروت و قدرت سیاسی دارد، چاپخانه اختصاصی و انبارهای مملو از کاغذ دولتی دارد و با امپراطوری کاغذی خود، رقبای مطبوعاتی را حذف می‌کند، خدمت فرهنگی نمی‌کند، قبل از آن که رایزن فرهنگی باشد، راهزن فرهنگی است، رانت‌خواری می‌کند، تجارتخانه مخفی دارد و دراندک زمانی به ثروت‌های پیدا و پنهان دست می‌یابد. آنان به هر دولتی ولو اینکه مخالف جناح سیاسی آنها باشد، لبخند می‌زنند و قبل از سایر رسانه‌های کشور، دولت جدید را در آغوش می‌گیرند. اما در ذهنشان طناب دام سیاست می‌بافند.

ببررسی اسناد و شواهد ده‌ساله‌ی اخیر ردپای نفوذ و مداخله‌ی جماعت موصوف، در رتبه‌بندی مطبوعات، تقسیم یارانه، تخصیص کاغذ دولتی و الحاق متمم‌هایی کذایی به قوانین مطبوعاتی، با خواست و اراده‌ی گروهی خاص، به وضوح آشکار خواهد شد.

لذا بایسته‌ست؛ دولت سیدابراهیم رئیسی و پیش‌تر از آن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به ابن ماجرای تلخ و تبعیض آمیز خاتمه دهد و با اتخاذ طرح‌های امیدبخش و رویکردهای ضد فساد، نشاط و انبساط رسانه‌ای را سیاست‌گذاری کند و تلقی شهروند درجه دوم را از مطبوعات استان‌ها بزدايد و دریک کلام؛ پیشنهادها ی مخرب و مشاوره‌های صدمن یک غاز اقلیتی رانت‌خوار را مردود بشمارد و با اقدامات مداخله‌جویانه‌ی آنان، قاطعانه مقابله کند. همان اقلیتی که در بین اصحاب رسانه‌های محلی، محبوبیت و مرجعیتی ندارند.